

علوم و تکنولوژی محیط زیست، دوره بیست و یک، شماره سه، خرداد ماه ۹۸

بررسی عوامل موثر بر مدیریت بصری دیدها و چشم‌اندازها به سمت ابنیه با ارزش

تاریخی – عملکردی (مطالعه موردی: منظر خیابانی آستانه سید علاءالدین حسین شیراز)

فریال احمدی *

f.ahmadi@umz.ac.ir

علی رضا صادقی ^۲

تاریخ پذیرش: ۸۹/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۸۹/۲/۱۱

چکیده

زمینه و هدف: امروزه هویت بخشی به حوزه‌های شهری از طریق حفظ، ارتقا شخصیت و توانمندسازی (عملکردی و فرمی) بناهای با ارزش تاریخی عملکردی، که به عنوان نشانه در خاطره جمعی و تصویر ذهنی انسان‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردارند، امری با ارزش در مباحث طراحی شهری است. در این زمینه به نظر می‌رسد اتخاذ تدبیری که فرصت دید به این ابنیه را فراهم آورد و کیفیت نفوذ پذیری بصری را به محیط قرارگیری این ابنیه ببخشد، از راهکارهای توانمند سازی این بناها به حساب می‌آید.

روش بررسی: در این تحقیق از روش تحقیق توصیفی-تحلیلی و شیوه‌های تحقیق مرور متون و منابع و اسناد تصویری در بستر مطالعات کتابخانه‌ای و همچنین از روش تحقیقی موردی و شیوه تحقیق مشاهده و مصاحبه در بستر مطالعات میدانی استفاده شده‌است. همچنین منظر خیابانی آستانه سید علاءالدین حسین واقع در بافت قدیم شیراز به عنوان مطالعه موردی این تحقیق معرفی و ویژگی‌های آن تحلیل شده‌است.

یافته‌ها: نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که دیدها و چشم‌اندازها، به عنوان انگاره‌های اصلی سازمان بصری و منظر شهری، عناصری هستند که می‌توانند از طریق قانونمندی‌هایی، زمینه نفوذپذیری بصری بناهای با ارزش تاریخی عملکردی را فراهم آورند.

نتیجه‌گیری: تحقیق پیش رو ضمن تدقیق مفاهیم مرتبط با چشم‌اندازهای شهری و جایگاه آنها در مدیریت و مطالعات بصری، به تحلیل قانونمندی‌های جهانشمول حاکم بر طراحی هدفمند و آگاهانه چشم‌اندازها به سوی ابنیه با ارزش تاریخی – عملکردی درون شهری پرداخته است. همچنین با بهره‌گیری از قانونمندی‌های تدقیق شده، راهکارهایی به منظور بهبود کیفیت منظر خیابانی آستانه سید علاءالدین حسین شیراز ارائه گردیده‌است.

واژه‌های کلیدی: دیدها و چشم‌اندازها، ابنیه با ارزش تاریخی عملکردی، محور بصری، آستانه سید علاءالدین حسین شیراز

۱- استادیار گروه معماری، دانشکده هنر و معماری، دانشگاه مازندران * (مسئول مکاتبات)

۳- استادیار بخش شهرسازی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران

Investigation of the Factors Affecting Visual Management of Views and Vistas within the Historical - Functional Valuable Buildings (Case Study: Streetscape of Seyyed Alaedin Hossein Shrine, Shiraz)

Ferial Ahmadi ^{1*}

f.ahmadi@umz.ac.ir

Ali Reza Sadeghi ²

Admission Date: September 18, 2010

Date Received: May 1, 2010

Abstract

Background and Objective: Nowadays, giving identity to urban areas through preserving, promoting the character and empowerment (function and form) of the buildings with historical–functional value, which has a prominent role as a symbol in collective memory and mental status of people, is of high importance in urban design discussion. Seemingly, taking an action which provides these buildings with the opportunity to be viewed and provides their position and environment with the quality of visual permeability, can be considered as one of the empowerment strategies for these buildings.

Method: In this study, a descriptive-analytical method with literature review of the resources and documents in the context of visual studies and also case study by interview and observation methodology in the field studies have been used. Also, the streetscape of Seyyed Alaedin Hossein Shrine in historical and traditional district of Shiraz was analyzed.

Findings: The results of this paper showed that the views and vistas, as the main elements of urban landscape visual system, are the elements which can facilitate the visual permeability in the buildings with historical–functional value through regulations.

Discussion and Conclusion: This study represents the concepts related to views and vistas and their role and position in visual management and visual studies. Also, this study reviews the universal rules for purposeful and conscious design of views on the buildings with historical-functional value within the city. In this paper, using the verified regulations, the strategies for improving the quality of the streetscape of Seyyed Alaedin Hossein Shrine in Shiraz have been presented.

Keywords: Views and vistas, Valuable buildings (historical functional), Visual axis, Seyyed Alaedin Hossein Shrine in Shiraz.

1- Assistant Professor, Department of Architecture, Faculty of Art and Architecture, University of Mazandaran, Babolsar, Iran. *(Corresponding Author)

2- Assistant Professor, Department of Urban Planning and Design, Faculty of Art and Architecture, Shiraz University, Shiraz, Iran.

مقدمه

صاحب‌نظران سه مقیاس کلان، میانی و خرد را برای مطالعات بصری در شهر در نظر گرفته‌اند. مطالعات بصری سطح شهر در قالب مطالعات منظر کلان به بررسی قابلیت‌های بصری سطح کل شهر می‌پردازد؛ و در مقیاس میانی به هویت و قابلیت و خصائص مناطق می‌پردازد (۱). اما به نظر میرسد مطالعات مربوط به ارتقا کیفیت دیدها و چشم‌اندازها در مقیاس خرد این تقسیم بندی قرار می‌گیرد؛ جایی که در آن به تشخیص هویت کیفیت‌های دید و منظر فضاهای شهری - که سازنده‌ی هویت شهر است - پرداخته می‌شود. همچنین در چارچوب مدیریت دید و منظر شهر لندن انواع دید و منظر شهری، در چهار گروه تقسیم بندی شده‌اند: دید و منظر گسترده؛ چشم‌اندازهای درونی دورنماها؛ چشم‌اندازهای منظر شهری؛ و دیدها و مناظر خطی از نمادها و نشانه‌ها (۲). بر این اساس، محورهای دید در گروه مناظر خطی از نمادها جای می‌گیرند و ارائه دهنده یک موضوع تعریف شده مجرد هستند که متمرکز بر یک عنصر معماری با اهمیت و یا نماد فرهنگی شهر می‌باشند.

تحلیل و ارزیابی دیدها و چشم‌اندازهای شهری چون محورهای دید، یا مخروط‌های بصری و یا دیدروها در طراحی شهری، زیر-مجموعه‌ای از مباحث مربوط به ارزیابی کیفیت دید و منظر شهری به شمار می‌آیند. در این مباحث توجه اصلی معطوف به جنبه‌های فرمی، ظاهری و زیبایی محیط و تأثیری که این جنبه‌ها بر ذهن ناظر و به خصوص بر تصویر ذهنی و نقشه شناختی او برجا می‌گذارند است (۳). از این نظر، آگاهی از کیفیت‌های خاص هر محیط که پتانسیل تأثیر گذاری بر ذهنیت ناظر را دارند، نقش اساسی در طراحی دید و منظر شهری مطلوب و ارتقا کیفیت اجزا آن دارد. از سوی دیگر حفظ، مرمت و شخصیت بخشی به عناصر با ارزش - چه تاریخی و چه عملکردی - که موجبات ارتقا خوانایی حوزه‌های شهری و هویت بخشی، نه تنها به ناحیه‌ای محدود، بلکه به کل محیط یک شهر را فراهم می‌آورند، از اصول پذیرفته شده در مباحث طراحی شهری است. نقش این عناصر در ایجاد حس مکان امری غیر قابل انکار است. این نقش به گونه‌ای است که برخی صاحب

نظران، از جمله آلدو روسی مبتکر نظریه تداوم، از بناهای تاریخی با ارزش به عنوان یکی از مهمترین عوامل تداوم در طراحی شهری نام می‌برند (۴). از اینرو در این نوشتار سعی بر آن است تا با بازشناخت مفاهیم مرتبط با چشم‌اندازها در شهر، به عنوان یکی از انگاره‌های تحلیل و ارزیابی بصری حوزه‌های شهری در طراحی شهری، چگونگی پیوند و رابطه آن با ابنیه با ارزش تاریخی - عملکردی تدقیق شود. همچنین با معرفی و تحلیل دید و چشم‌انداز منتهی به آستانه سید علاالدین حسین شیراز و ارائه راهکارهایی جهت بهبود کیفیت بصری و عملکردی این محور دید با توجه به معیارهای جهانشمول حاکم بر طراحی شهری آگاهانه محورهای دید، سعی شده است زمینه تفاهیم، گفتگوی متقابل و امتزاج مبانی نظری طراحی شهری با کالبد، محیط و فرهنگ ایرانی فراهم گردد. در زمینه مطالعه موردی این تحقیق باید گفت که بافت قدیم شیراز با حیاتی هزار ساله، مجموعه فرهنگی بسیار عظیمی است که بناها و اماکن تاریخی - مذهبی شاخص و فضاهای عمومی منحصر به فردی را در درون خود جای داده است. این بافت که گسترشی تدریجی و ارگانیک همراه با تبعیت از قانونمندی‌های مشخصی را تجربه کرده است، امروزه فضایی است که بین موقعیت دروازه اصفهان، خیابان فردوسی، خیابان سعدی، خیابان داریوش (توحید)، خیابان قآنی موقعیت دروازه کازرون، خیابان جنت، خیابان سیبویه، موقعیت فلکه خاتون، خیابان کشتارگاه، خیابان کودک و خیابان تیموری واقع می‌شود (۵). اما در دل این بافت کهن و در جنوب شرقی شیراز قدیم، مجموعه‌ای با ارزش عملکردی قرار دارد که موضوع بحث حاضر است. مجموعه‌ی آستانه از بقاع متبرکه و مقدسه‌ای است که در محله بالا کفت بافت قدیم شیراز واقع شده است. این بقعه مدفن حضرت سید علاءالدین حسین، فرزند امام موسی کاظم (ع) و برادر حضرت شاه چراغ (ع) است که در اواخر قرن دوم هجری قمری در شیراز شهید شده و در مکان فعلی که در گذشته باغی بوده، به خاک سپرده شده‌است (۶). اگرچه بنای اولیه آرامگاه در زمان قلتغ خان حاکم فارس در دوره اتابکان ساخته شده، اما شالوده اصلی بنای

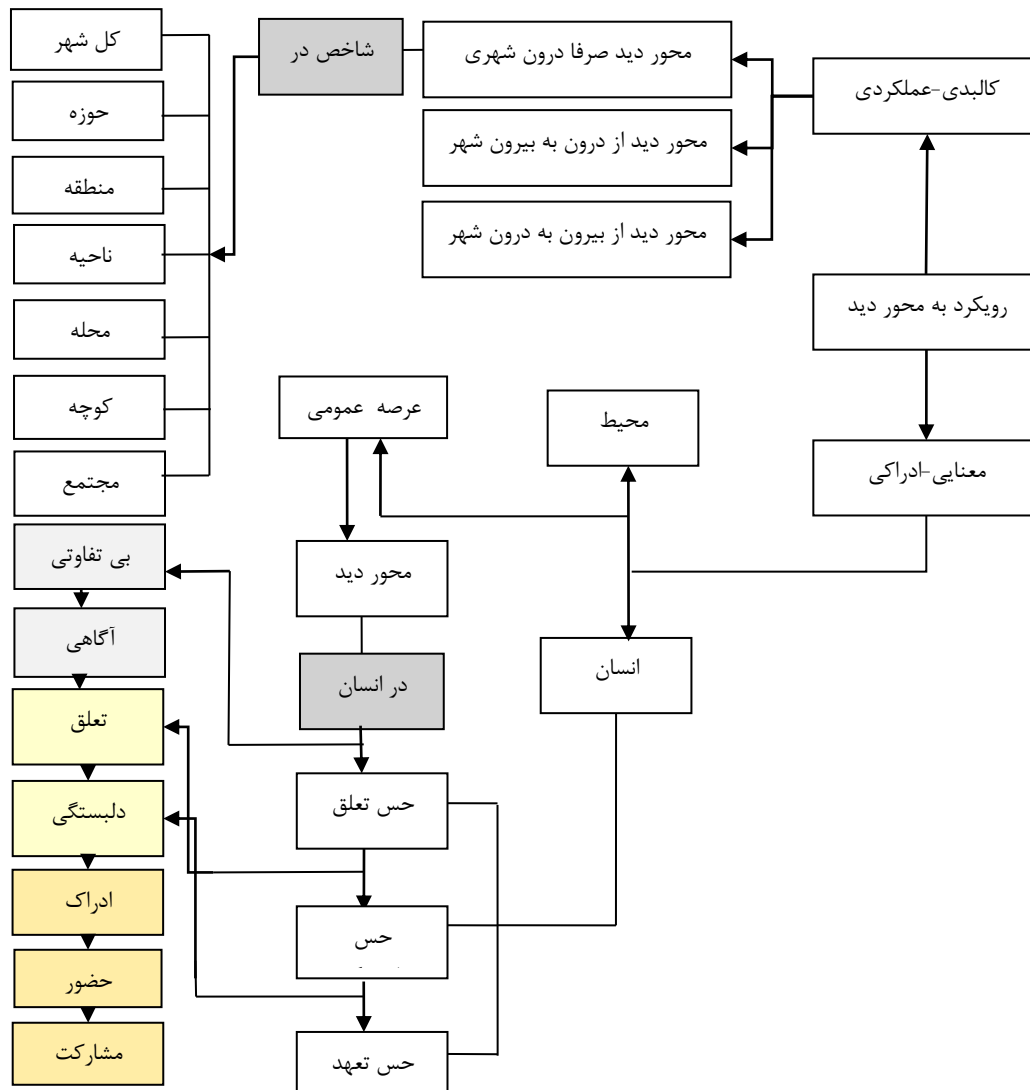
فعلی، تزیینات، کاشی‌کاری و گنبدسازی آن در دوره صفویه و به سال ۹۴۳ هجری قمری شکل گرفته است. این بنا سپس در دوره قاجاریه تعمیر و ترمیم اساسی شده است که این تعمیرات در سال‌های بعد از ۱۳۱۶ تا ۱۳۳۱ هجری شمسی ادامه یافته است. (۷). این مجموعه در حال حاضر شامل بقعه و حرم حضرت سید علاءالدین حسین، مدرسه تاریخی نظامیه، آرامگاه سید عبدالله حجاب (ضیاءالسلطان) و برج ساعت است. مجموعه به علت قرار گیری بین دو خیابان اصلی شرقی- غربی لطفعلی خان زند و سیبویه (خیابان دور شهر سابق) از پتانسیل نفوذپذیری کالبدی بالایی برخوردار است (۸). عملکرد مذهبی ویژه مجموعه، موقعیت قرار گیری آن در دل بافت تاریخی شیراز و در رابطه متعامل، پویا و هم زمان با بافت مسکونی کهن پیرامون و بناها و فضاهای سازنده استخوانبندی اصلی شهر قدیم شیراز، به واقع منحصر به فرد است و مجموعه را واجد پتانسیل جدی برای عملکرد به عنوان نماد و نشانه‌ای شهری در مقیاس محله، بخشی از شهر و حتی کل شهر شیراز کرده است. در این بین آنچه این نوشتار قصد پرداختن به آن را دارد، محور دید منحصر به فردی است که از خیابان سیبویه - به عنوان حد پایین بافت قدیم شیراز - و از طریق خیابان حسینی (آستانه جنوبی) به این بنای با ارزش تاریخی- عملکردی وجود دارد. در زمینه تعریف دیدها و چشم‌اندازهای خطی باید گفت که محور دید، یک عرصه یا پهنه سه بعدی است که از یک نقطه دید شروع و بسوی موضوعی شاخص یا کیفیتی بصری امتداد می‌یابد (۹). منظور از نقطه دید در اینجا مکانی است که قابلیت ارائه احساسی لذت بخش از دید و منظر را به انسان داراست (۱۰). این نقطه می‌تواند مکانی متشکل از سلسله‌ای از نقاط دید مطلوب پیوسته و متعامل باشد و یا تنها یک نقطه خاص و منحصر به فرد را شامل شود. میزان پهنا و عمق هر محور دید، که مقدار فضایی که باید به دیده آید را تعریف می‌کند، بستگی مستقیم به کیفیت و نقطه‌ای دارد که محور دید آن را مورد تاکید قرار می‌دهد و در مرکز توجه محور دید قرار دارد. (۱۱). همچنین محورهای دید، خطوط مستقیمی هستند که ارتباط بصری را بین دو نقطه نسبتاً دور از طریق یک کانال ارتباط بصری و حداقل یک عنصر برجسته برقرار می‌سازند. این محور-

ها چارچوبی برای پایه‌گذاری یک شهر به خاطر سپردنی و تاریخی فراهم می‌آورند. این محورها می‌توانند از عوارض طبیعی به شکل شگفت‌آوری استفاده کنند. (۱۲). به نظر می‌رسد طراحی هدفمند و از پیش اندیشیده شده محورهای دید به سمت نشانه‌ها و نمادهای شهری و یا ارزش‌های بصری، موجبات ارتقا حس جهت‌یابی شهروندان در شهر را فراهم سازد. این حس خوشایند ناشی از سهولت شناخت و تشخیص موقعیت در محیط و فضا، در ارتقا میزان خوانایی و ادراک بصری این ارزش-ها توسط ناظر فضا و نظم بخشی کالبدی - بصری به محدوده و حوزه قرارگیری این ارزش‌ها و به تبع آن هویت و شخصیت بخشی به حوزه‌هایی از شهر و ایجاد حس مکان تاثیر قابل توجهی دارد. در این زمینه و برای این اثر گذاری کیفیاتی از محیط باید ارتقا و یا حتی کاهش یابند. شناخت این کیفیات در حال تغییر و سازماندهی و نظارت بر آن‌ها در جهت نیل به اهداف مذکور- که نتیجه برقراری آن‌ها ساماندهی بصری و کالبدی و هویت بخشی به حوزه‌های شهری است- بر عهده مدیریت بصری شهر است. در واقع مدیریت بصری شهری را می‌توان فرآیند برنامه‌ریزی، سازماندهی و نظارت بر محیط و فرم شهر، به منظور کمک به ادراک و تجربه قوی‌تر ناظرین در فضا و ایجاد تصویر ذهنی منسجم و پیوسته از شهر در ذهن شهروندان، در حین عدم کاستن از شگفت‌انگیزی و راز آمیزی محیط تعریف کرد (۱۳). فرآیند شناسایی، پهنه‌بندی و حفاظت از محورهای دید، بر اساس چارچوب مدیریت دید و منظر شهر لندن، فرآیندی سه مرحله‌ای است. در مرحله یک به تشخیص محورهای بصری و حوزه‌بندی آن پرداخته می‌شود؛ در مرحله دو، تشخیص مناظر خطی (محورهای بصری) به نشانه‌ها در دستور کار قرار می‌گیرد؛ و در مرحله سه، به تحلیل مناظر خطی و پهنه‌بندی آن پرداخته می‌شود. در مرحله تحلیل و پهنه‌بندی، ضمن تدقیق نماد و نشانه، پس زمینه، حوزه و پهنه استقرار محور دید، مخروط دید و مخروط دید جانبی به عنوان عناصر و مولفه‌های اصلی دید و منظر در محورهای دید، به پهنه‌بندی عرصه محور بصری به سه حوزه پیش زمینه، بستر میانی و پس زمینه پرداخته می‌شود؛ سه حوزه‌ای که دارای ضوابط و الزامات طراحی متفاوت برای یک طراح شهری هستند. (۲). در

محورهای دید ممکن است در مقیاس‌های مختلف و برای مقاصد گوناگون عملکردی و یا شکلی مورد استفاده طراحی شهری قرار گیرند. سه نوع از این محورها را می‌توان بر حسب مبدا و مقصد آنها مشخص کرد: اول محورهای درون شهری که نقطه‌ای در داخل شهر را به نقطه‌ای دیگر در داخل شهر و معمولاً با استفاده از عناصر برجسته کالبدی نظیر ساختمان، مجسمه، فواره، و نظایر آن به هم متصل می‌سازد. اغلب محورهای دید موجود در شهرها از این نوعند. دسته دوم محورهایی هستند که یک نقطه شهری را به نقطه دوردست خارج از شهر، معمولاً یک منظر طبیعی نظیر قله کوه، جنگل، دریاچه، و امثال آن مرتبط می‌سازد و بالاخره محورهایی که نقاط خارج از شهر را به نقاط مرکزی شهر متصل می‌کنند. هر سه نوع می‌توانند به صورت قرینه‌ای عمل کنند. یعنی از هر دو طرف محور دید قرار گیرند (۱۲).

ادامه به منظور ثبت عرصه‌ها و دامنه‌های حفاظتی در برنامه توسعه به عنوان حریم و ضابطه، لازم است ابتدا ابعاد کیفی و محتوای بصری تعیین شده ممیزی و ارزیابی شود. براین اساس در قدم نخست عرصه‌های قابل ممیزی و ارزیابی داخل منظر تعیین و سپس وضعیت نماد در مناظر استراتژیک نسبت به پس زمینه و پیش زمینه از مکان‌ها و کانونی‌های مختلف عرصه عمومی ممیزی می‌شود. در نهایت پهنه چشم‌انداز حفاظتی به عنوان ضابطه تعیین و تثبیت می‌گردد. در آن صورت ساخت و سازهای داخل حریم منظر ضابطه مندی خواهد شد. لازم به توضیح است که پهنه‌های حفاظتی طی اقداماتی به مشاوره عموم نیز گذاشته می‌شود. (۱).

همچنین با دو رویکرد می‌توان به تقسیم بندی دیدهای خطی و بستر قرارگیری آن‌ها پرداخت. نگاه اول کالبدی - عملکردی و نگاه دوم معنایی - ادراکی و از منظر رابطه متقابل انسان و محیط است. (شکل شماره ۱) در رویکرد اول و در سطح کلان،



شکل ۱- سلسله مراتب دیدهای محوری شهری. ماخذ: نگارندگان.
Figure 1. Hierarchy of urban view corridor. Source: Authors

رابطه باشد. اما در رویکرد دوم، محورهای دید بر اساس نوع تعامل و رابطه‌ای که با انسان برقرار می‌کنند شناخته و طبقه بندی می‌شوند؛ در این تقسیم بندی با الهام از سه سطح اصلی رابطه انسان و محیط، سه سطح اصلی برای محورهای دید در نظر گرفته شده است: محورهای دیدی که سبب ایجاد حس تعلق؛ حس دلبستگی؛ و حس تعهد فرد به محور دید و محیطی که محور دید در آن قرار گرفته است می‌شوند. در میان این سه سطح اصلی، زیر سطح‌ها از این قرارند: ۱- بی تفاوتی نسبت به محور دید و محیط قرارگیری آن: در این سطح شخص هیچگونه رابطه‌ای با محور دید برقرار نمی‌کند و در واقع به وجود آن آگاه نیست؛ ۲- آگاهی از قرارگیری در یک محور دید: در این سطح

اما محورهای دید درون شهری با توجه به عملکرد، اهمیت، نوع و نقش زیر سیستم‌ها و اجزا خود و حوزه عمل و تاثیرگذاری آنها، طبقه بندی می‌شوند. در این تقسیم بندی سلسله مراتب محورهای دید درون شهری به این قرار است: (۱) محور دید شهری در مقیاس کل شهر؛ (۲) محور دید در مقیاس حوزه‌های شهر؛ (۳) محور دید در مقیاس مناطق؛ (۴) محور دید در مقیاس ناحیه شهری؛ (۵) محور دید در سطح و مقیاس محله؛ (۶) محور دید در مقیاس کوچه؛ و (۷) محور دید در مقیاس مجتمع‌ها. در این سلسله مراتب هر یک از محورهای دید درون شهری باید حاوی کاراکتر و مقیاس مناسب در سطح خود باشد و به شکل مطلوب با شبکه‌ای متعامل از محورهای دید در سطوح دیگر در

آن به وجود آورند: ۱- توانمندی‌های منظر بدنه محور دید که در توجه به قانونمندی‌های عمودی و افقی در نمای جداره محور دید- چون خط زمین، خط آسمان و طبقات و ...- نمود می‌یابد؛

۲- توانمندی‌های موجود در منظر زمین که در استفاده از اختلاف سطوح طبیعی و مصنوع محیط در طراحی سکناس‌های محور دید و چگونگی کف‌سازی و پردازش سطوح نمود می‌یابد؛

۳- توانمندی‌های محیط طبیعی که در نوع و چگونگی استفاده از پوشش گیاهی، عناصر و ویژگی‌های اقلیمی و بومی و ... نمود می‌یابد؛ ۴- جلوگیری از یکنواختی فرمی و ایجاد تنوع و تجارب بصری متفاوت به نحوی که برای بیننده حس اکتشاف و لذت کشف فضا را به وجود آید. این مهم در توجه به جزئیات و چگونگی سکناس‌بندی و مفصل‌بندی پهنه محور دید نمود می‌یابد؛ ۵- نظم، ارتباط و وحدت فضایی، عملکردی و معنایی بین زیر سیستم‌های پدیدآورنده محور دید، چون جداره‌ها، بدنه‌ها، عناصر ابتدایی و پایانی به گونه‌ای که محور دید چون یک کلیت واحد عمل نماید؛ ۶- نگهداری، مرمت و رسیدگی مداوم به محور دید و پهنه آن و توجه به اثرات تغییرات حاصل از گذشت زمان بر کالبد محور دید و زیر سیستم‌های آن چون عنصر پایانی که در مرکز توجه و تمرکز محور دید قرار دارد. گفته شد که وجود عنصر شاخصی پایانی، به عنوان یکی از اجزای اصلی محور دید، امری ضروری است؛ عنصر شاخصی که به صورت یک نشانه شاخص عمل کرده و به عنوان هدف محور دید شناخته شود. نشانه‌ای که باید فرمی واضح، قابل تشخیص، منحصر به فرد و بی نظیر داشته باشد و می‌تواند طبیعی- چون کوه، درخت، رودخانه و ...- و یا مصنوع و انسان ساخت- چون ساختمان، گنبد و مناره و ... بوده و به عنوان عنصر پایانی یک محور دید مطرح شود. اما آنچه موضوع این نوشتار است همانا استفاده از بناها و ساختمان‌های با ارزش تاریخی-عملکردی به عنوان نشانه‌ای کالبدی و عنصری پایانی برای یک محور دید است.

ابنیه با ارزش تاریخی- مذهبی و عملکردی به واسطه نقشی که در ایجاد خاطره جمعی دارند، همچنین به واسطه ضرورت وجود آنها برای حفظ پیوستگی تاریخی و فضایی محیط، نقشی

رابطه ناظر و محور دید، فقط به آگاهی به قرار گیری در محور خلاصه می‌شود و در فرد هیچ احساسی که او را به محور دید متصل کند، وجود ندارد؛ ۳- تعلق به محور دید و محیط قرار گیری آن: در این سطح فرد با محور دید و محیط آن احساس یکی بودن دارد و عنصرهای شاخص با ارزش موجود در محدوده برای او با ارزش و مهم هستند؛ ۴- دلبستگی به محور دید و محیط قرارگیری آن: در این حالت هویت منحصر به فرد محور دید برای شخص مهم و محور دید و محدوددهی قرارگیری آن برای فرد دارای معنا و مفهوم ویژه‌ای است؛ ۵- یکی شدن با محور دید و درک اهداف و آرمان‌های محور دید و محیط قرار گیری آن: در این حالت فرد اهداف، معنا و فلسفه حاکم بر محور دید را به خوبی درک کرده و با آن و محیط قرار گیری اش احساس در آمیختگی و پیوستگی می‌کند؛ ۶- حضور مداوم در محیط قرارگیری محور دید: در این سطح شخص در محیط قرارگیری محور دید حضور فعال و اجتماعی دارد و به صرف وقت، هزینه و ... در این پهنه می‌پردازد؛ و ۷- مشارکت فعال جهت حفظ محور دید: در این سطح فرد عمیق‌ترین تعهد را نسبت به محور دید و محیط آن- به عنوان یک کلیت- و زیرسیستم‌های آن چون بدنه‌ها و عنصر پایانی- به عنوان اجزا- احساس می‌کند. باتوجه با آنچه گفته شد، مطمئنا هدف غایی طراحان شهری رسیدن به سطحی در طراحی آگاهانه محورهای دید است که استفاده کننده از پهنه محور دید را به مشارکت فعال برای حفظ ارزش‌های بصری در محور دید سوق دهد. حالتی که شخص با محیط احساس این‌همانی کرده و هویت و معنای آن را درک کند و به محدوده‌ای فراتر، چون کل یا قسمتی از یک شهر، تسری دهد.

اما محور دید زمانی می‌تواند معرف، ارتقا دهنده و نماد هویت و فرهنگ یک شهر و یا بخشی از شهر باشد که خود در وهله نخست واجد وجهه، هویت و شخصیت منحصر به فرد و قابل تمیز و تشخیص باشد. در این باره نگارندگان این نوشتار ویژگی- های زیر را عواملی می‌دانند که باید به گونه‌ای سازماندهی، طراحی و استفاده شوند که قابلیت‌های بصری خاص محور دید را تقویت کنند و هویتی منحصر به فرد برای محور دید و پهنه

اساسی در مطالعات بصری دارند؛ اهمیت توجه به این نقش زمانی بیشتر می‌شود که بدانیم امروزه اهمیت ساختمان‌های با ارزش قدیمی در اثر تقلید و التقاط‌گرایی به تدریج در حال از بین رفتن است. (۱۴). یک بنای با ارزش تاریخی قبل از آنکه معرف صورت مساله فنی-ساختمانی باشد دربرگیرنده یک سلسله روش‌های تفکر و رفتارهای محیطی است که راه و رسم زندگی مردمان عصر خود را بازگو می‌کند. (۱۵). از اینروست که به نظر می‌رسد شهرها و ساختمان‌های سنتی بهتر از آنهایی هستند که به تازگی ساخته می‌شوند. این شهرها و ساختمان‌ها دارای کیفیت‌هایی چون غنا، ظرافت و انسان‌گرایی هستند که در طول سالیان و حتی قرن‌ها تطابق به وجود آمده است. (۱۴). حفظ شخصیت حاکم بر محیط زیست مصنوع انسان و تداوم آن در مقابل تغییرات کالبدی و ساختاری و همچنین هویت محیط، در گرو وجود و نگهداری و شخصیت بخشی به اینگونه بناهاست. در واقع این بناهای با ارزش هستند که چارچوب تاریخی شهر در طول زمان شکل می‌دهند و بازشناسی معماری با ارزش قدیمی، چه آنها که برجسته‌تر و به عنوان یادمان‌ها، منومان‌ها یا بناهای تاریخی ارزشمند مورد نظراند و چه بناهایی که تحت عنوان معماری بومی مطرح می‌شوند، گشاینده مسایل متعددی در فرهنگ معماری سرزمین‌ها است (۱۵). بسیاری از صاحب‌نظران طراحی شهری معتقدند که ارزش‌های بصری، که بناهای با ارزش تاریخی-عملکردی در زمره این ارزش‌ها به حساب می‌آیند، مهمترین بخش از کیفیت‌های محیطی محسوب می‌شوند. این ارزش‌ها عامل تقویت و یا تضعیف حس مکان و نهایتاً تعلق خاطر افراد به محیط زیست خود شمرده می‌شوند. اما از دیدگاه لینچ ارزش‌های بصری در محیط به صورت مداوم در حال تغییر و تحول می‌باشند و این تغییرات ضروری است تحت کنترل در آیند. ارزش‌هایی چون دید به نمادهای سازنده هویت شهر از قبیل ابنیه فرهنگی، مذهبی و حکومتی لازم است به هر قیمتی حفظ شوند. ایجاد و یا تقویت فرصت دید به این عناصر شهری و تقویت پتانسیل مشاهده و ادراک آن، از وظایف یک طراح شهری است که در طراحی آگاهانه محورهای دید به سمت این عنصر نمود می‌یابد. این طراحی آگاهانه باید به گونه‌ای صورت گیرد که حس تعلق را در

ناظر فضا ایجاد کند؛ موجبات آشنایی بسیار عمیق او را با مکانی که در آن قرار گرفته فراهم آورد و سبب ساز تجربه مکان و هم احساس شدن با دیگر ناظران فضا شود. در طراحی آگاهانه محورهای دید علاوه بر وجود عنصر شاخص نشانه‌ای پایانی و شخصیت بخشی به آن، توجه به طراحی مناسب جداره‌ها و بدنه‌های سازنده محور دید نیز حایز اهمیت است. بدنه در اینجا و به عنوان جزئی از محور دید اینچنین تعریف می‌گردد: کلیه سطوح قابل رؤیت انسان ساخت و طبیعی در طرفین و کف و حتی سقف یک محور دید را بدنه محور دید می‌نامند. در واقع هر بدنه وجهی از فضا را محصور و تعریف می‌کند. در مورد سطوح طبیعی یا نرم در بدنه محور دید، توجه به نوع، گونه، شکل، رنگ و... عناصر سبز یا گیاهان حائز اهمیت می‌باشد. اما در مورد سطوح انسان‌ساخت و یا سخت در بدنه محور دید که از ترکیب احجام مختلف به وجود آمده‌اند، توجه به: ۱- نحوه ترکیب و چگونگی قرارگیری احجام نسبت به یکدیگر (دانه‌بندی)؛ ۲- چگونگی حجم‌پردازی از لحاظ اندازه احجام شامل عرض و طول بدنه و ارتفاع احجام؛ ۳- کیفیت احجام از لحاظ ماندگاری؛ و ۴- فرم سقف و نوع پوشش آن حائز اهمیت است. در عین حال توجه به نحوه ترکیب و نوع قانونمندی اجزای نماهای بدنه در محور دید نیز از اهمیت بالایی برخوردار است. در اینجا منظور از اجزاء نما، بخش‌های مختلف تشکیل دهنده نما نمی‌باشد، بلکه منظور عناصر بارز و برجسته در هر نما است که قانونمندی و انتظام حاکم بر آنها نما را به وجود می‌آورند. طراحی آگاهانه این قانونمندی‌ها می‌تواند موجبات تاثیرگذاری بیشتر محور دید را بر ناظر فراهم آورد. به منظور شناخت، اصلاح و طراحی این قانونمندی‌ها، ابتدا باید نماهای ساختمان‌های بدنه محور دید، به عنوان یک کلیت، با محدوده‌های مشخص پهنه بندی شوند. در این حالت هر پهنه از نما در بدنه محور دید به واسطه نوع، میزان و نحوه قرارگیری سطوح مختلف (پر و خالی، کدر و شفاف، رنگ و جنس مصالح و خطوط غالب و...) جلوه‌ای خاص به خود گرفته و در اطراف خود محدوده‌ای مشخص تعریف می‌نماید. ابعاد و اندازه، تناسب، نحوه ترکیب، شکل و بافت هر پهنه می‌تواند ایجاد سکانس‌های دید با ارزش بصری متفاوت را در محور دید موجب

شهری، از روش تحقیق توصیفی و تطبیقی استفاده شده است. در پایان و جهت ارائه راهکارهایی جهت بهبود کیفیت محور بصری آستانه سید علاءالدین حسین شیراز، پژوهش حاضر از روش تحقیق موردی در بستری از مطالعات میدانی و استفاده از شیوه مشاهده و مصاحبه استفاده کرده‌است. همچنین به منظور دستیابی به اصول و قانونمندی‌های طراحی آگاهانه محورهای دید، نگارندگان به بررسی تطبیقی و تحلیلی نقش شاخص محورهای دید در برخی عرصه‌ها و فضاهای عمومی شهری برجسته جهان پرداخته‌اند. از اینرو در رویکردی تحلیلی - تطبیقی نقش محورهای دید در: ۱- سازماندهی بصری، کالبدی و عملکردی شهر رم و هویت بخشی به کلیساهای با ارزش این شهر در قرن میلادی ۱۶؛ ۲- طراحی و باززنده سازی میدان کاپیتول و تاکید بصری بر ساختمان پالاتسودل سناتوره در این میدان در قرن ۱۶ و ۱۷ میلادی؛ ۳- طراحی میدان و صحن کلیسای سن پیترو و ایجاد تمرکز بصری و هدایت دید زائرین به سوی این کلیسا در قرن ۱۷ میلادی؛ ۴- ایجاد تمرکز بصری از یک سو و همچنین ارائه فرصت دسترسی به دید گسترده از سوی دیگر در شهر سلطنتی ورسای قرن ۱۷ میلادی؛ ۵- ایجاد ارتباط بصری و کالبدی بین دو بخش قرون وسطایی و رنسانسی و همچنین تاکید بصری بر کاخ استانداری در شهر نانسی در قرن ۱۸ میلادی؛ ۶- سازماندهی ساختار کالبدی بصری شهر پاریس از طریق محور دید شانزده‌لیزه قرن ۱۸ میلادی؛ ۷- تاکید بصری بر ساختمان‌های با ارزش عملکردی و نمایش شکوه و قدرت در واشنگتن دی سی قرن ۱۹ میلادی؛ ۸- ایجاد هویت جدید در حین تاکید بر عناصر ملی و ویژگی‌های طبیعی در راج پت دهلی نو در اوایل قرن بیستم میلادی؛ و همچنین ۹- نمایش قدرت سیاسی و سازماندهی کالبدی و در عین حال تاکید بصری بر ساختمان با ارزش عملکردی در خیابان پیروزی سوسیالیسم بخارست رومانی در قرن بیستم میلادی بررسی شده است. نتایج حاصل از این بررسی، دستیابی به دوازده قانونمندی اصلی حاکم بر طراحی آگاهانه محورهای دید است که عبارتند از: ۱- محور دید و پهنه آن باید به مثابه یک سیستم واحد کیفیت بصری عمل نماید؛ ۲- پهنه محور دید به

شود. در این زمینه توجه به خط زمین، خط آسمان، سطوح کدر و شفاف، ورودی‌ها، بالکن‌ها، کنسول‌ها، پلکان‌ها، جنس و رنگ مصالح، سطوح پر و خالی، خطوط غالب در نما، عرض قطعات، تناسبات، هندسه پنهان، تزیینات، عناصر الحاقی و ... به منظور ایجاد تداوم بصری و فضایی، وحدت شکلی و در عین حال تباين بصری و همچنین تاکید بر عناصر با ارزش در محور دید چون عنصر نشانه‌ای پایانی ضروری است.

این نوشتار به منظور دستیابی به اهداف خود از یک پیش‌فرض بهره برده‌است. پیش‌فرض این تحقیق بر این پایه استوار است که طراحی هدفمند و از پیش اندیشیده شده چشم‌اندازها به سمت ابنیه با ارزش، در ارتقا میزان خوانایی و ادراک بصری اینگونه بناها توسط ناظر فضا، تسلط بصری این ابنیه بر محدوده پیرامون خود و نظم بخشی کالبدی - بصری به این محدوده به تبع آن هویت بخشی به حوزه‌هایی از شهر تاثیر قابل توجهی دارد؛ در واقع این نوشتار بر آن است تا با بهره‌گیری از معیارهای طراحی آگاهانه دیدها و چشم‌اندازها، به بررسی ویژگی‌هایی از محیط که باید ارتقا و یا حتی کاهش یابند تا زمینه ارتقا خوانایی و ادراک بناهای با ارزش و هویت و شخصیت بخشی به حوزه‌های شهری فراهم آید، بپردازد. ضرورت انجام این تحقیق از آن جهت است که در زمان حاضر و در اغلب شهرها بناهایی با هویت وجود دارند که با وجود برخورداری از فرصت ارائه دید مطلوب به ناظر فضا، به دلیل عدم توجه به طراحی هدفمند دیدروها به سوی آن‌ها، یا تاثیر بصری خود را کاملاً از دست داده‌اند و یا قابلیت تاثیرگذاری بصری لازم و کافی بر مخاطب را ندارند. مجموعه آستانه سید علاءالدین حسین شیراز می‌تواند در زمره‌ی این بناها به حساب آید.

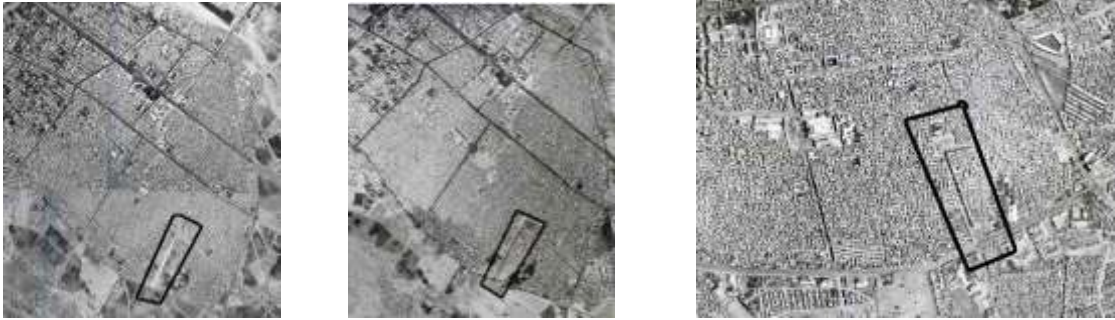
مواد و روش

پژوهش حاضر به منظور دستیابی به مبانی نظری و چارچوب مفهومی موضوع پژوهش از روش تحقیق توصیفی - تحلیلی در بستری از مطالعات کتابخانه‌ای و در قالب استفاده از شیوه‌های مرور متون و منابع و اسناد تصویری بهره برده است. همچنین جهت تدقیق قانونمندی‌های حاکم بر طراحی آگاهانه محور-های دید به سوی ابنیه با ارزش تاریخی - عملکردی درون

قدیم - و همچنین عکس‌های هوایی شهر شیراز (شکل شماره ۲) و همچنین نقشه وضع موجود بافت قدیم شیراز در دهه کنونی شمسی بررسی و تحلیل شده‌است. بررسی این نقشه‌ها و تصاویر نشان می‌دهد که خاستگاه تاریخی این محور دید، به شکل‌گیری خیابان حسینی (آستانه جنوبی) در اوایل دهه چهل هجری شمسی و دوره‌ی پهلوی دوم باز می‌گردد. زمانی که برای تسریع حرکت و دسترسی در داخل بافت قدیم و ارتباط دو خیابان دور شهر و کشتارگاه در داخل بافت و از طریق خیابان آستانه، مبادرت به احداث خیابان حسینی فعلی شده است. در واقع این خیابان تکمیل کننده یک لوپ بین دو خیابان کشتارگاه و دور شهر سابق (سیبویه فعلی) بوده‌است. در محل فعلی پهنه این محور دید قبل از خیابان کشی، زمین‌های مزروعی و باغی به نام کلانتری وجود داشته که به تدریج و از دهه چهل و به دنبال افزایش جمعیت و تقاضای مسکن و تسهیلات مربوط به آن، محل فعلی و محدوده بلافاصل پیرامون آن به حوزه‌های مسکونی، تجاری-مسکونی و آموزشی و اداری تبدیل شده‌است. در واقع مخروط دید موجود به مجموعه آستانه در امتداد خیابان حسینی، به تدریج و بین دهه‌های چهل تا شصت هجری شمسی شکل گرفته است. محور دید آستانه در ابتدا به علت عدم محصوریت کامل بدنه‌های آن و قرارگیری در کشتزارها و زمین‌های مزروعی بافت قدیم شیراز، دارای مخروط دید گسترده‌تر با زاویه دید بیشتر بوده که علاوه بر دید خطی به سوی مجموعه آستانه، فرصت دریافت دید گسترده یا پانوراما از بافت قدیم را به ناظر می‌داده است. ولی امروزه و به دنبال محصوریت تدریجی پهنه محور دید به وسیله بدنه‌ی تجاری-مسکونی فعلی، فقط امکان دید خطی به مجموعه آستانه برای ناظر فراهم است.

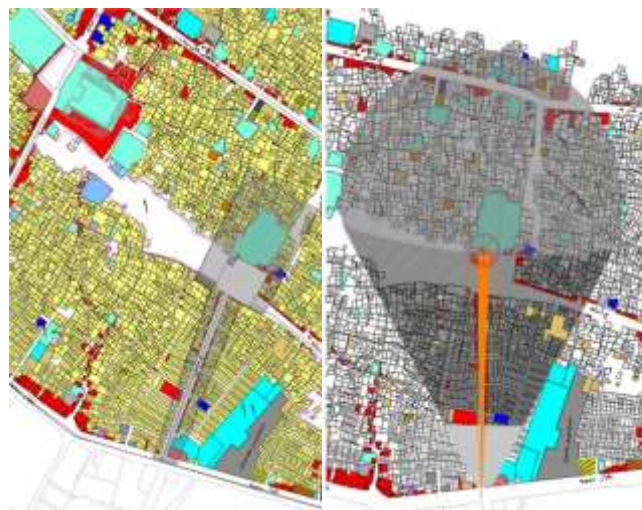
عنوان عرصه‌ای عمومی باشد و امکان استفاده همگانی از آن فراهم گردد؛ ۳- در طراحی‌ها و مداخلات جدید در محور دید و پهنه آن، شاخص‌های بصری خاطره‌انگیز و ارزشمند گذشته حفظ شوند؛ ۴- به دروازه‌های بصری معرف ورود به پهنه محور دید توجه شود؛ ۵- محصوریت و ارتفاع مناسب بدنه‌ها جهت تاکید بر ارزش‌های بصری در محور دید مد نظر قرار گیرند؛ ۶- در بدنه محور دید از عناصر اکولوژیکی هویت‌مند و سازگار با اقلیم استفاده شود؛ ۷- عنصر نشانه‌ای پایانی از وضوح فرمی و خوانایی مطلوب برخوردار باشد؛ ۸- تسلط بصری عنصر نشانه‌ای پایانی بر پهنه محور دید وجود داشته باشد؛ ۹- در طراحی محور دید و پهنه آن به کف‌سازی، توپوگرافی و استفاده از اختلاف سطح‌ها توجه شود؛ ۱۰- مفصل‌بندی در پهنه محور دید به گونه‌ای باشد که فرصت بهره‌گیری از دیدهای متوالی با ارزش بصری متفاوت را به ناظر بدهد؛ ۱۱- در طراحی محور دید به مکان رفتارها و الگوهای رفتاری استفاده‌کنندگان توجه شود؛ و ۱۲- حضور پذیری محور دید و پهنه آن از طریق وجود فعالیت خاص در بدنه یا عنصر پایانی تقویت شود.

تحلیل منظر خیابانی آستانه سید علاالدین حسین شیراز
محور دید آستانه که نقطه شروع و اولین سکانس آن تقاطع خیابان سیبویه و حسینی است، از لحاظ نوع مخروط دید، چگونگی تغییر دیدها به مجموعه در طول محور دید، سکانس-بندی فضا در حرکت به سوی مجموعه آستانه و برخورداری از لبه و بدنه اکولوژیک و طبیعی در بافت قدیم شیراز منحصر به فرد است. برای ارزیابی نحوه شکل‌گیری و تعامل این محور دید با مجموعه آستانه، نقشه‌های بافت قدیم شیراز از دوره صفویه - زمان تقریبی شکل‌گیری مجموعه آستانه به شکل امروزی - تا پهلوی اول - زمان مداخلات گسترده و خیابان‌کشی در بافت



شکل ۲- عکس‌های هوایی بافت قدیم شیراز در دهه چهل، پنجاه و شصت شمسی (از چپ به راست). مأخذ: سازمان نقشه- برداری کشور

Figure 2. Aerial photo of Shiraz old Fabrics in 1960, 1970, and 1980 (left to right). Source: National Cartographic Center



شکل ۳- پهنه‌بندی محور دید آستانه. مأخذ: نگارندگان

Figure 3. Zoning of Astaneh view corridor. Source: Authors

غیر مسکونی در شرق پهنه محور دید، در مقابل بدنه و بافت مسکونی غرب پهنه محوردید و تباین بین دو این بدنه جالب توجه است. در بستر میانی محور دید، بافت یکدست مسکونی در دو طرف پهنه محور دید همراه با بدنه دو طبقه تجاری و تجاری - مسکونی در هر دو طرف، نوعی هماهنگی و وحدت شکلی به پهنه محور دید بخشیده است؛ این وحدت شکلی به وسیله لبه اکولوژیکی و طبیعی سبز (ردیف درختان) تاکید می- شود. در بستر میانی تغییر فعالیت بدنه‌ها در دو طرف از تجاری به مسکونی و بالعکس و فواصل نامنظم بین کاشت درختان زمینه ساز تباین بصری است. میدان آستانه به عنوان جلوخان حرم سید علاءالدین حسین، مرز بستر میانی و پس زمینه در این محور دید محسوب می‌شود. عملکرد این میدان به عنوان یک گره شهری و فضای سکون در امتداد فضای حرکت در

محور دید آستانه از آن جهت که دارای کیفیت‌های بصری متنوع و تجارب بصری متفاوت شامل قابلیت‌های محیط طبیعی و مصنوع، همراه با نماد و المان معماری تاریخی است و حضور و تسلط آن در منظر شهر شیراز هویت بخش بوده است، می‌تواند در زمره مناظر استراتژیک شهر شیراز به حساب آید. به منظور شناخت بهتر این محور دید و تحلیل آن بر اساس دستورالعمل چارچوب مدیریت دید و منظر شهر لندن، پهنه بندی بستر و محیط قرارگیری این محور دید به پیش زمینه، بستر میانی و پس زمینه پرداخته در دستور کار قرار گرفته است. (شکل شماره ۳). بر این اساس تقاطع دو خیابان سیبویه و حسینی به عنوان نقطه آغاز محور دید، دروازه بصری و عامل مشخصه ورود به پهنه محور دید، در پیش‌زمینه قرار می‌گیرد. در محدوده پیش زمینه، بدنه یکنواخت با کاربری اداری - آموزشی همچنین بافت

خیابان حسینی، همچنین تباین فرمی و تفاوت نوع محصوریت آن با خیابان حسینی، از یکنواختی سکنس‌های طی طریق در فضای محور دید آستانه می‌کاهد و گوناگونی فرمی و عملکردی را در طول پهنه محور دید تقویت می‌کند. در پهنه پس زمینه این محور دید، وجود گذر تاریخی شیخ روزبهان که میدان آستانه را به خیابان لطفعلی‌خان زند متصل می‌کند، مجموعه عظیم در حال ساخت بین الحرمین، همچنین بناهای مهم استخوانبندی اصلی شهر شیراز چون حرم شاهچراغ، نارنجستان قوام، مسجد و خانه نصیرالملک، خانه زینت‌الملک در کنار بافت مسکونی کهن جالب توجه است.

اما شاید مهم ترین شاخصه محور دید آستانه کیفیت دیدهای پی در پی و سکنس‌ها در پهنه این محور دید باشد. در این محور دید سه سکنس اصلی قابل تشخیص است. سکنس اول در تقاطع خیابان سیبویه و حسینی رخ می‌دهد. در این سکنس برج ساعت مجموعه آستانه، به عنوان نماد و نشانه به وضوح خودنمایی می‌کند و مخروط دید در امتداد خیابان حسینی به سمت این نشانه شکل می‌گیرد. سکنس دوم در امتداد و طی حرکت در خیابان حسینی به وجود می‌آید. در این سکنس همچنان برج ساعت نشانه اصلی در محور دید است و تباین در دیده‌های پی در پی به وسیله تغییر فواصل درختکاری، تفاوت فعالیت‌ها در بدنه و ظاهر شدن تدریجی قسمتی از گنبد و گلدسته‌های حرم سید علاءالدین حسین از بین انبوه درختان رخ می‌دهد. اما سکنس سوم در تقاطع دو خیابان حسینی و آستانه و در میدان آستانه به وجود می‌آید، جایی که به یکباره سر در ورودی، تمام گنبد و دو گلدسته حرم سید علاءالدین حسین به همراه برج ساعت به دیده می‌آید. در واقع در این سکنس، که به نوعی تکمیل کننده دو سکنس قبلی است، ناظر شاهد یک منظر یکباره از کل مجموعه آستانه خواهد بود. در محور دید منحصر به فرد آستانه، برج ساعت به عنوان اولین نشانه‌ای که به دیده می‌آید، وظیفه دعوت کنندگی ناظر را به سوی مجموعه آستانه بر عهده دارد. محور دید آستانه در ابتدا و به یکباره تمام اطلاعات را به ناظر منتقل نمی‌کند؛ بلکه حس اکتشاف را در وی برمی‌انگیزد و وی را برای رسیدن به سکنس آخر و مشاهده گنبد و گلدسته‌های حرم سید علاءالدین حسین

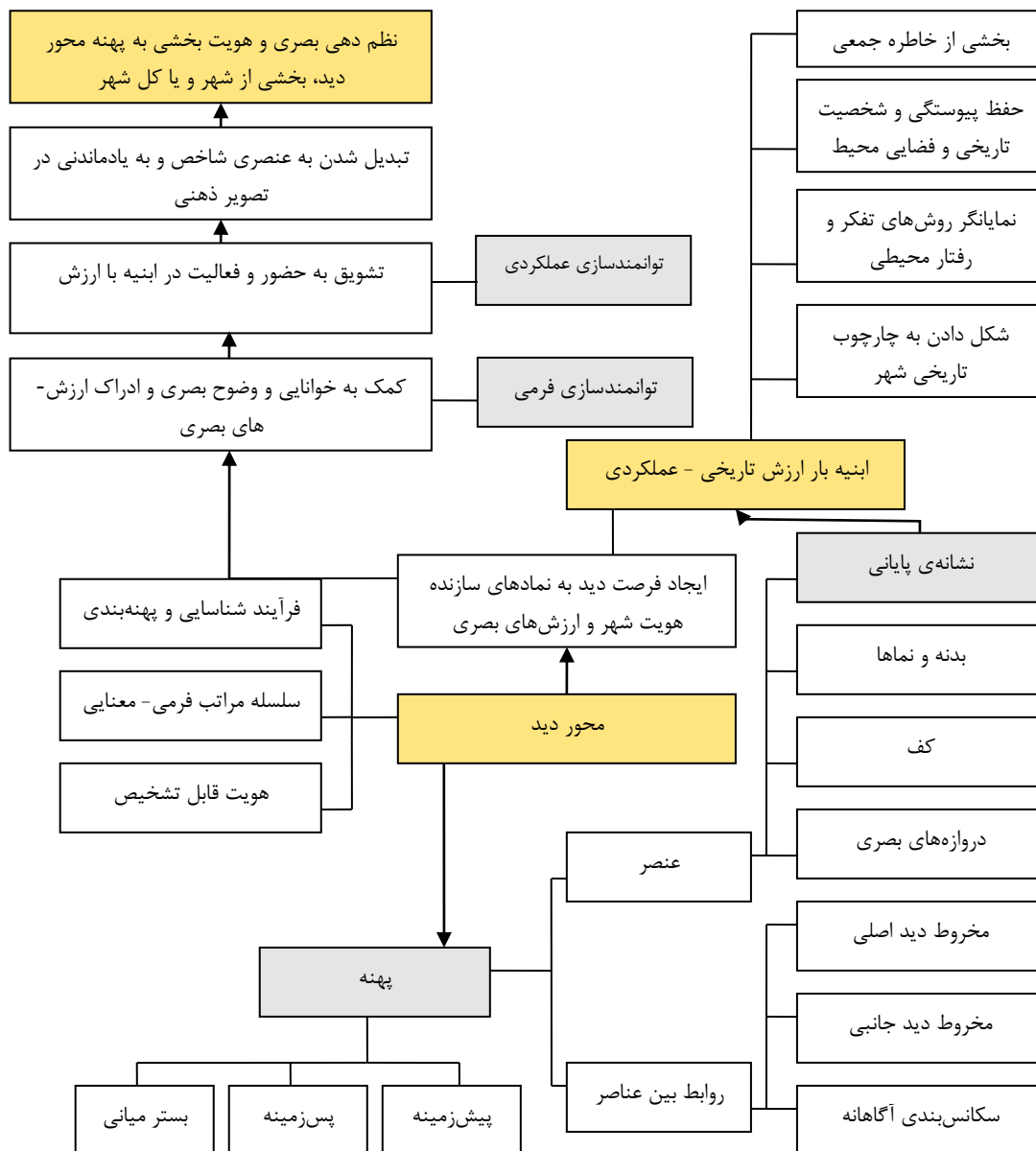
مشتاق می‌سازد. در مورد نقاط ضعف و تهدید محور دید آستانه، می‌توان از ۱- تبدیل شدن فضای قرارگیری این محور دید به محور سواره رو صرف که در آن حق تقدم با اتومبیل است و نه عابر پیاده، ۲- اختصاص یافتن فضاهای ناب کناره‌ای این محور به پارکینگ اتومبیل، ۳- وجود بعضی فعالیت‌ها و کاربری‌های نامتناسب در بدنه چون تعمیرگاه اتومبیل و تعویض روغن و ... ۴- کاشت نامنظم و عدم حرس صحیح و هدفمند درختان در محور، ۵- عدم نورپردازی مناسب و تاکید کننده بر نشانه‌ها در شب ۶- عدم وجود کفسازی هویت بخش و هویت‌مند در محور دید، نام برد. در مقابل ارتفاع متناسب بدنه‌ها (ساختمان-های دو طبقه) و تناسب آن با عرض خیابان حسینی (۱۳،۷۵ متر) که محصوریت مناسبی را به وجود می‌آورد از خصوصیات مثبت پهنه این محور دید است.

بحث و نتیجه گیری

در این نوشتار با بررسی مفاهیمی چون سلسله مراتب کالبدی - عملکردی و معنایی - ادراکی و هویت محورهای دید و همچنین تحلیل جایگاه محورهای دید در مطالعات و مدیریت بصری شهری، نقش محور دید به عنوان یکی از عوامل تسهیل کننده جهت یابی و ادراک محیطی شهروندان و خوانایی منظر شهری تدقیق شده است. همچنین با تحلیل اجزا پهنه محور دید، چون عنصر نشانه‌ای پایانی و بدنه محصورکننده، نقش این انگاره از نظام بصری و منظر شهری در توانمندسازی فرمی و عملکردی ابنیه با ارزش تاریخی - عملکردی، به عنوان عنصر نشانه‌ای پایانی یک محور دید، تاکید شده است. امری که از طریق ایجاد فرصت دید مطلوب به اینگونه ابنیه صورت می‌پذیرد و سبب تبدیل این بناهای با ارزش به نشانه‌هایی هویت‌مند، شاخص و به یادماندنی در تصویر ذهنی و نقشه شناختی شهروندان می‌شود. توانمندسازی فرمی این ابنیه به کمک محورهای دید، از طریق ایجاد دیدهای محوری آگاهانه به کیفیت‌های بصری و زیباشناختی کالبد این بناها و توانمندسازی عملکردی آن‌ها از طریق تشویق ناظران به حضور و فعالیت در این ابنیه صورت می‌پذیرد. در واقع ابنیه با ارزش به عنوان عنصر پایانی پهنه محور دید، همراه با دیگر اجزا یک محور دید چون کیفیت و نمای بدنه‌های محصور کننده، دروازه‌های بصری،

بندی معنایی - ادراکی و از منظر رابطه بین انسان و محیط، با وجود سابقه تاریخی، اهمیت مجموعه آستانه و تصویر ذهنی مطلوب از این مجموعه در ذهن ساکنین و استفاده‌کنندگان از بافت قدیم و کل شهر شیراز، به نظر می‌رسد این محور دید در پایین‌ترین سطح این تقسیم‌بندی، که همانا بی‌تفاوتی و عدم آگاهی نسبت به قرارگیری در یک محور دید شاخص درون شهری است، جای گرفته‌است. نتایج حاصل از مصاحبه رودروی نگارندگان با تعدادی از اهالی بافت قدیم شیراز و همچنین مراجعه‌کنندگان به این بافت گواه این مدعی است.

عناصر کف و کیفیت دیدهای پی در پی، وظیفه نظم‌دهی بصری و شخصیت‌بخشی به پهنه محور دید، بخشی از شهر و یا در مواردی کل یک شهر را بر عهده دارند (شکل شماره ۵). همچنین در این نوشتار با معرفی محور بصری منتهی به آستانه سید علاالدین حسین شیراز، به عنوان یک بنای با ارزش تاریخی - عملکردی شهر شیراز، به تحلیل این محور دید و بررسی کیفیت دیدهای پی در پی در آن پرداخته شد. محور دید آستانه در تقسیم‌بندی کالبدی - عملکردی محورهای دید درون شهری، در زمره محورهای دید در مقیاس حوزه مهم بافت قدیم و همچنین کل شهر شیراز جای می‌گیرد. در تقسیم



شکل ۵- تدقیق رابطه محور دید و بناهای با ارزش تاریخی. ماخذ: نگارندگان

Figure 5. Relationship between view corridor and valuable historical building. Source: Authors.

به سوی برج ساعت این مجموعه جلوه‌گر شود و توجه ناظر را از طریق ایجاد فرصت تحرک در داخل شرایط متنوع محیطی، از حس محصوریت تا حس گشودگی فضائی، جلب نماید. در پایان امید است ضمن توجه به قانونمندی‌های جهانشمول تدقیق شده در مقررات و سیاست‌های شهری و کاربری رهنمودهای طراحی شهری مبتنی بر این قانونمندی‌ها و متناسب با زمینه و شرایط محیطی، زمینه ارتقا کیفیت بصری پهنه محورهای دید درون شهری به طور عام و محور دید آستانه شیراز به طور خاص فراهم آید.

به نظر می‌رسد عدم معرفی این محور دید و عدم اطلاع رسانی صحیح در مورد آن، مهم‌ترین و اولیه‌ترین علت مهجور ماندن این محور دید باشد. در ادامه به منظور ساماندهی پهنه محور دید آستانه، رهنمودهایی جهت بهبود کیفیت بصری این محور دید، با توجه به معیارهای جهانشمول تدقیق شده و محیط قرارگیری آن، ارائه خواهد شد. (جدول شماره ۱). محور دیدی که باید به صورت عرصه دریافت یک دید و منظر آنی از گنبد آستانه سید علاالدین حسین، بلافاصله بعد از محور دید اکولوژیکی ارزشمند، کالبدی هماهنگ و با فعالیت‌های متناسب

جدول ۱. قانونمندی‌های جهان‌شمول و رهنمودهایی جهت ساماندهی محور دید آستانه شیراز. ماخذ: نگارندگان

Table1: Organizing strategies of Astaneh view corridor. Source: Authors.

قانونمندی	مفهوم قانونمندی	رهنمود
محور دید به مثابه یک سیستم واجد کیفیت بصری	محور دید باید از طریق بدنه خود نوعی تشخیص و هویت خاص بصری به بنای با ارزش (المان پایانی) بدهد. در حقیقت باید بین بدنه محور دید، کف و عنصر نشانه‌ای پایانی به عنوان اجزا محور دید بسته به شرایط محیطی و توقع ناظرین از محور دید روابطی چون تعادل، تقارن، تناسب، تفوق و یا وضوح برقرار باشد تا پهنه محور دید به عنوان یک کل واحد، واجد کیفیت بصری تلقی گردد.	محور دید آستانه به سبب هماهنگی زیر سیستم‌ها واجد کیفیت بصری است. رسیدگی مداوم به این زیر سیستم‌ها (کف و بدنه و عنصر پایانی) حائز اهمیت است.
پهنه محور دید به عنوان عرصه‌ای عمومی و استفاده همگانی از آن	محور دید باید یا بخشی از عرصه عمومی شهر باشد. در حقیقت ناظر فضا بدون محدودیت بتواند از آن استفاده کند. عرصه‌های عمومی مهم‌ترین بخش شهرها و محیط‌های شهری هستند. در چنین عرصه‌هایی بیشترین تماس ارتباط و تعامل بین انسان‌ها رخ می‌دهد. این عرصه‌ها تمام بخش‌های بافت شهری را که مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری دارند، در برمی‌گیرد	اطلاع‌رسانی شایسته و معرفی صحیح این محور دید به ساکنین و بازدیدکنندگان و همچنین برگزاری نمایشگاه‌های فصلی و مراسم ملی-آیینی در پهنه محور دید
حفظ عناصر بصری ارزشمند گذشته در طراحی‌های جدید	۱- کیفیت‌های بصری ارزشمند حفظ شود؛ ۲- مناظری در کف و بدنه‌ها که از نظر کالبدی، بصری و معنایی نامطلوب تلقی می‌شوند، اصلاح شوند؛ ۳- کیفیت‌های بصری که در اثر گذشت تدریجی زمان در حال تغییر هستند، شناسایی و اقداماتی جهت افزایش و یا کاهش اثر آنها اتخاذ شود و ۴- کیفیت‌هایی که در مقابل تغییرات شکننده و قابل از دست رفتن هستند شناسایی و اقداماتی سریع برای مقابله با اثر نامطلوب تغییرات بر آنها اتخاذ گردد.	حفظ و بهسازی بافت مسکونی کهن در حوزه‌ی محور دید و جلوگیری از تخریب‌های بی‌برنامه، همچنین حفظ و بهسازی لبه تجاری موجود با عملکرد محله‌ای و شهری ضمن جابجایی فعالیت‌های نامتناسب
توجه به دروازه‌های بصری ورود به محدوده محور دید	در محور دید، باید به دروازه‌های بصری، علائم بصری آگاهی دهند و ورود به مکان، اهمیت داده شود؛ در واقع محور دید باید دارای دروازه بصری به عنوان المان مشخص کننده ورود به محیط خاص باشد.	مکانیابی عنصری نشانه‌ای یا فضایی جمعی شاخص و دعوت-کننده در تقاطع خیابان حسینی و سیبویه به عنوان دروازه بصری

ورودی		
حفظ ارتفاع ۶ - ۵.۸ متر موجود برای بدنه‌ها و همچنین جلوگیری از پیش‌آمدگی و عقب رفتگی خارج از ضابطه برای ساخت و ساز جدید	ارتفاع بدنه‌ها باید به گونه‌ای باشد که بر حضور و وجود یک مکان خاص (عنصر نشانه‌ای پایانی) تاکید کند و موجبات تضعیف آن را فراهم نیاورد. توجه به میزان و درجه محصوریت فضا و تاثیر آن بر رفتار ناظر، نقش به‌سزایی در ایجاد یک محور دید تاثیر گذار دارد	محصوریت و ارتفاع مناسب بدنه‌ها جهت تاکید بر ارزش‌های بصری
کاشت منظم نهال‌های جدید، همگون و هم‌نوع با درختان موجود به منظور بهبود کیفیت لبه اکولوژیک موجود در طول زمان	در پهنه محور دید باید تا حد امکان بر عناصر اکولوژیک هویت‌مند، مانند درختان تاکید گردد. این عناصر باید با توجه به شرایط اقلیمی به کار گرفته شوند.	استفاده از عناصر اکولوژیک هویت‌مند و سازگار با اقلیم در بدنه
استفاده از سیستم نورپردازی هدفمند و تاکیدکننده بر ارزش‌های بصری موجود در شب و همچنین حرس آگاهانه درختان	عنصر نشانه‌ای پایانی، باید از وضوح فرمی و خوانایی عملکردی کافی بهره‌مند باشد همچنین از نورپردازی منحصر به فرد در شب می‌توان در تشخیص بخشی و برجسته‌سازی محور بصری و عنصر نشانه‌ای شاخص انتهایی بهره برد.	وضوح فرمی و خوانایی عنصر نشانه‌ای پایانی
افزایش ارتفاع برج ساعت مجموعه آستانه، و حرس درختان با توجه به سکناس‌های موجود و تقویت آن	بنای با ارزش به عنوان عنصر پایانی محور، بسته به شرایط محیطی و مکان قرارگیری و به منظور تاثیر گذاری بهتر بر استفاده‌کننده از فضا و تسلط بصری باید واجد یکی از کیفیات شدت تنش و یا نقش انگیزی باشد.	تسلط بصری عنصر نشانه‌ای پایانی
استفاده از نوعی کف‌سازی چند سطحی همراه با آبراه که از فرم‌های آشنا و خاطره‌انگیز و یادآور مسیرهای حرکت باغ‌های کهن شیراز است	محور دید باید از طریق توجه به کف‌سازی، توپوگرافی و اختلاف سطح زمین، سبب برجسته‌سازی قابلیت‌های بصری طبیعی بالقوه محور و بنای با ارزش چون قرارگیری در ارتفاع و ... شود. در واقع کف‌سازی و توپوگرافی زمین در محدوده محور دیدها باید در ارتباط مستقیم با کیفیت‌های بصری موجود و ارتقا و تاکید بر آنها باشد	توجه به کف‌سازی، توپوگرافی و استفاده از اختلاف سطح‌ها در طراحی
تقویت سکناس‌های موجود و همپوشانی بیشتر آنها از طریق توجه به طراحی جزئیات فضا	محور دید باید از طریق به وجود آوردن یک نظام سلسله‌مراتبی از دید‌های متوالی با ارزشهای بصری متفاوت، ضمن ایجاد تجارب بصری متنوع برای ناظر و آماده کردن ذهنی وی برای رویت و ادراک عنصر پایانی، موجبات ایجاد کیفیت بصری مطلوب (مانند زیبایی، وحدت، نظم، هماهنگی و...) را فراهم و در نتیجه خاطره‌انگیزی و هویت‌مندی فضا را در ذهن ناظر موجب گردد	دیدهای متوالی با ارزش بصری متفاوت در محور دید
جلوگیری از پارک اتومبیل در کناره، کم کردن از عرض سواره-رو و اختصاص بیشتر فضا به پیاده‌راه، تعبیه فضاهای سکون در فضای محور دید و در رابطه با کف‌سازی	در صورت وجود گوناگونی فعالیتی در بدنه و یا ارزش بالای عملکردی عنصر پایانی، که سبب حضور پذیری در فضای محور دید و بروز رفتارهای مختلف از سوی ناظرین، و برقراری تعاملات اجتماعی می‌شود، عملکرد محور دید به عنوان یک عرصه عمومی پویا و واجد مکان-رفتارهای گوناگون که توان پاسخگویی به نیازهای رفتاری مختلف استفاده‌کنندگان از فضا را داراست، ضروری است	توجه به مکان رفتارها در طراحی محور دید

<p>تقویت لبه تجاری موجود و مکانیابی فعالیت‌های فرهنگی در جداره به جای بعضی فعالیت‌های نامتناسب موجود</p>	<p>بنای با ارزش عملکردی و بصری به انضمام محور دید منتهی به آن باید برای ناظر فضا تعلق خاطر ایجاد نموده و موجبات رونق و ارتقای ارزش مکان و تقویت حضور پذیری را فراهم آورد.</p>	<p>تقویت حضور پذیری از طریق وجود فعالیت خاص در بدنه یا عنصر پایانی</p>
--	---	--

9. Pain, David, 2003, Evaluating view corridor's effect on development in the Austin central business district, Master project of Regional Planning, University of North Carolina, Chapel Hill
10. Smardon, R, 1988, Perception and aesthetics of urban environment, Landscape and Urban planning 15, p: 85-106
11. Pourjafar, M.R., Sadeghi, A.R. 2007. Recognizing and Organizing Visual Corridors. The National Conference on Innovative Idea in Urban Management. Tehran: Iranian Student Book Agency, pp 34-40.
12. Pourjafar, M.R., Sadeghi, A.R. 2007. Recognizing and Organizing Visual Corridors. The National Conference on Innovative Idea in Urban Management. Tehran: Iranian Student Book Agency, pp 34-40.
13. Tibbalds, F. 2000. Making People-Friendly Towns: Improving the Public Environment in Towns and Cities. USA: Spon Press.
14. Falamaki, M.M. 2007. Urban Renovation. Tehran: Faza Scientific-Cultural Institute (In Persian).

Reference

1. Zekavat, K. 2007. Strategic Framwork of Visual Management. Aabadi, 53: 33-56 (In Persian).
2. Mayor of London. 2009. Draft Revised Supplementary Planning Guidance London View Management Framework, Greater London Authority City Hall, pp.3-9.
3. Zacharias, j. 1999. Preferences for View Corridors through the Urban Environment. Landscape and urban planning 43: 217-
4. Kurt Grutter, J. 1987. Ästhetik der Architektur: Grundlagen der Architektur-Wahrnehmung. Germany: W. Kohlhammer.
5. Falamaki, M.M. 2006. Urban restoration expeiences (from Venice To Shiraz). Tehran: Faza Scientific-Cultural Institute (In Persian).
6. Sami, A. 1984. Shiraz: Immortal City. Shiraz: Navid (In Persian).
7. Afsar, K. 1974. History of ancient fabrics of Shiraz. Tehran: National Art Association (In Persian).
8. Emdad, H. 1970. Shiraz in Past and Future. Shiraz: Fars Press Association (In Persian).